



در کنار بعد معنوی و ملکوتی، خوانش علمی از حادثه عاشورا ایجاد کنیم

رئیس بنیاد علوم وحیانی اسراء گفت: اگر می‌خواهیم حادثه عاشورا به عنوان یک پدیده بین‌الذهانی مورد توجه قرار بگیرد باید در کنار بعد معنوی و ملکوتی خوانش علمی از حادثه عاشورا ایجاد کنیم.

رئیس بنیاد علوم وحیانی اسراء گفت: اگر می‌خواهیم حادثه عاشورا به عنوان یک پدیده بین‌الذهانی مورد توجه قرار بگیرد باید در کنار بعد معنوی و ملکوتی خوانش علمی از حادثه عاشورا ایجاد کنیم.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام والمسلمین مرتضی جوادی آملی در نشست «عاشورا و امروز ما» با اشاره به دشواری متن نهضت عاشورای سالار شهیدان گفت: هر متن علمی یا رخداد بشری هرچند پیچیده و سنگین، با تلاش انسان قابل تبیین و فهم است. اما رخداد عاشورا، الهام گرفته از منبع وحی است و به همین خاطر فهم آن بسادگی ممکن نیست و مانند یک متن وحیانی، هر بعد آن به دشواری قابل فهم است و نگارش آن بسیار سخت است.

وی با بیان اینکه هیچ نقطه تاریکی در واقعه عاشورا که اباعبدالله آن را مدیریت کرده نمی‌توان یافت، افزود: عاشورا تابلویی هنرمندانه است که با قلم وحی به تصویر کشیده شده است. سیدالشهدا مصداق اکمل و اتم آیه شریفه "یریدون لیطفنوا نورالله" است که خواستند با اسب دواندن بر پیکر ایشان و به ذلت و اسارت کشاندن خاندان عصمت و طهارت، آن را خاموش کنند، اما اراده الهی بر اتمام و اکمال این نور شکل گرفت.

رئیس بنیاد علوم وحیانی اسراء یادآور شد: در خوانش این حادثه باید چند بعد را در نظر گرفت، جنبه ملکوتی، معنوی و فوق بشری حادثه عاشورا یک موضوع است که تردیدی در آن نیست، اما این حرکت یک جنبه زمینی و اجتماعی هم دارد که بحث دیگری است.

جوادی آملی یکی از کاستی‌ها را عدم توجه به جنبه زمینی و اجتماعی عاشورا دانست که باعث شده این نهضت به نظام سیاسی و اجتماعی ما وارد نشود و توضیح داد: با پایان دهه محرم، عاشورا تمام می‌شود و سهمی در زندگی و حیات سیاسی و اجتماعی جامعه ندارد چون فضای ملکوتی ایثار و شهادت در قیام عاشورا جنبه غالبی داشته، اما ما جنبه اجتماعی آن را مورد توجه قرار نداده ایم.

وی با اشاره به ظرفیت این نهضت برای ایجاد نظم سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و بین‌المللی در عصرهای مختلف گفت: به این منظور باید پرسید عاشورای امروز با عاشورای ۱۰ سال و صد سال و هزار سال قبل چه تفاوتی دارد؟ مگر نه این است که انسانها و جامعه و شرایط اجتماعی مدام تغییر می‌کند و دائماً زمینه‌های نوپیدی ایجاد می‌شود؟

استاد حوزه علمیه قم «تحلیل دقیق و همه‌جانبه ابعاد عاشورا»، «تحلیل نیازهای امروز جامعه انسانی و جهانی» و «تطبیق وضعیت امروز با ظرفیت عاشورا» را سه مساله لازم دانست که نتیجه آن تحلیل به روز عاشورا و فرهنگ سیدالشهدا می‌شود. اگر می‌خواهیم حادثه عاشورا به یک پدیده بین‌الذهانی و مورد توجه و تحلیل و بررسی صاحب نظران تبدیل شود، راهکار این است که یک خوانش علمی از حادثه عاشورا ایجاد کنیم و در کنار بعد معنوی و ملکوتی، بعد علمی آن را نیز تبیین کنیم. و الا ممکن است در قالب فرهنگهای محلی محدود شود و نمی‌تواند در نظامات سیاسی و قراردادهای اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

جوادی آملی با نقد میزان راه پیدا کردن نهضت عاشورا حتی در حوزه علمیه پرسید: آیا واقعاً خود حوزه این مساله را قطع نظر از جنبه ملکوتی و ارزشمند ایثار آن مورد استفاده و نقد و بررسی علمی قرار داده تا دانشمندان جهان جهات این نهضت را بررسی کنند؟ چرا تاکنون نتوانسته ایم از ظرفیت حادثه عاشورا برای احیای سنت الهی و مرگ بدعتهای اموی استفاده کنیم و آن را به پدیده‌ای اجتماعی و قانون تبدیل کنیم؟

به گفته او تا زمانی که تنها جنبه ملکوتی و عرشی عاشورا را مد نظر قرار داریم، به جنبه واقعی و عملگرایانه نهضت برای اصلاح جامعه کمتر توجه می‌شود. بسیاری از فیلسوفان سیاست حتی در حوزه اسلامی متأسفانه با منابع اصلی ارتباط ندارند و تدبیر در فلسفه سیاسی اسلامی و به ویژه نهضت حسینی رخ نداده و ارائه فلسفه سیاسی از نهضت سالار شهیدان انجام نشده است و باید در جستجوی فلسفه سیاسی قیام عاشورا باشیم.

رئیس بنیاد اسرا اقدام سالار شهیدان را اقدامی سیاسی علیه نظم سیاسی بنی امیه خواند و توضیح داد: معاویه در خروج از مسیر سنت نبوی و شکستن عهد و پیمانش با امیرمومنان و امام حسن به جایی رسید که رسماً فرزندش را بعنوان خلیفه تعیین کرد و خواست از حسین بن علی هم بیعت بگیرد و امام حسین هم حرکتش را شروع و با جریان حکومت اموی مقابله کرد. تردیدی نیست که این یک حرکت سیاسی است که دنبال بر هم زدن نظم سیاسی حاکم بود که به نام دین سنتهای باطل را تقویت می کرد.

وی در ادامه گفت: با این حال این حرکت سیاسی برای قدرت و اختلاف افکنی نبود، بلکه برای اصلاح بود و رد منکرها و مهمترین منکر حکومت یزید بود. نامه نگاری و دعوت کوفیان از امام هم ظرفیتی بود که سیدالشهدا به آنها بها داد. سیدالشهدا قبل از حرکت به سوی عراق در خطبه ای فرمودند، هرکسی نمی تواند با این جریان همراه شود و تنها پاک طینتانی که حاضر به بذل جان هستند، قابلیت حضور در این حرکت و سفر با ما را دارند.

جواد آملی تاکید کرد: مشخص بود این حرکت سلبی، کمترین احتمال موفقیت سیاسی ندارد، چرا که امویان در اوج قدرت بودند. همه نزدیکان امام را از این حرکت نهی کردند اما امام براساس اراده الهی هیچ تردیدی به خود راه نداد و برای مقابله با روند اموی برخاست. تا اینجا بحث شده، اما در ادامه و اینکه حسین بن علی حرکت سیاسی خود را چگونه سامان داد، کار کاملی نکرده اند. آیا ایشان اگر پیروز می شد برای نظم سیاسی و اجتماعی طرح و برنامه ای نداشت؟

وی سپس به طرح این پرسش پرداخت که نظام ما تا چه حد ملهم از نهضت سیدالشهداست؟ و پرسشهای موجود در برابر فیلسوفان سیاست را این گونه برشمرد: مبدا قدرت در نظام نبوی، علوی و حسینی چیست؟ نقش مردم و حاکمیت ملی در نظم سیاسی مطلوب حسین بن علی چیست؟ آیا حاکمیت انسانها با حاکمیت الهی و ولایی تعارض دارد یا اراده مردم در طول اراده ولایی و الهی قرار دارد؟ آیا انسانها که اراده الهی را شناختند، مختارند یا مجبور؟

این استاد حوزه با بیان این سوال که اگر خداوند به دشمنش مجال و توان و قدرت دشمنی می دهد بخاطر چیست؟ افزود: خداوند مهلت را به دشمنانش در قالب نظم اجتماعی می دهد و به تعبیر زینب سلام الله علیها، این جنایات را در قالب سنتهای الهی عنوان می کند و می گوید یزید خوشحال نباش، این سنت الهی است که به ظالمان فرصت می دهد تا درون خود را ظاهر کنند و در تباهی فرو روند. سوال مهم دیگر این است که آیا انسان موجودی اخلاقی است یا گرگ انسان است؟ آیا انسانها را به حال خود گذاشتن باعث جنگ و ستیز می شود یا باعث رشد و تعالی می شود؟ انسان شناسی که در مکتب سیدالشهدا وجود دارد چه انسانی را معرفی می کند و با فلسفه سیاسی ایشان چه نسبتی دارد؟